

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبه‌هنگ راد

۱۶ فبروری ۲۰۲۰

کارنوال سیاسی انتصابات، تحت عنوان انتخابات

نظام جمهوری اسلامی در تدارک یازدهمین دوره "انتخابات" مجلس شورای اسلامی و میاندوره ای پنجمین مجلس خبرگان است. از یکسو جامعه به دلیل سیاست‌های ویران‌ساز اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در حال ترکیدن است و از سوی دیگر سران حکومت، در پی نمایش سیاسی همچون برگزاری انتخاب نمایندگان "مردم" اند؛ نمایندگانی که پیشاپیش از فیلتر و از ارگان‌های بالا رتبه نظام جمهوری اسلامی عبور کرده و موظف به صف شدن در تقابل با مطالبات بدیهی میلیون‌ها کارگر، زحمتکش، زنان، جوانان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی اند.

به طور قطع جامعه ایران را نمی‌شود با مبانی که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی تعریف کرده اند، به عنوان جامعه متعهد به آزادی، و جامعه به رسمیت شناختن حق و حقوق پایه‌ای سازندگان اصلی آن به حساب آورد. تعرض به معیشت میلیون‌ها انسان رنج‌دیده بی اندازه و ناتمام است؛ بیکاری بیداد می‌کند؛ زنان از انتخاب پوشش و تحصیلی به دور اند؛ هزاران کودک به دلیل نداری والدین‌شان از رفتن به سر کلاس‌ها باز مانده و هزاران تن دیگر به کودکان کار خیابانی تبدیل شده اند؛ فارغ التحصیلان سرگردان و فاقد آینده روشن اند و بالاخره سران حکومت تابه حال هزاران کمونیست، مبارز، مخالف و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی را از دم تیغ گذرانده اند. از اینرو، کاربرد واژه انتخابات در جوامعی همچون جامعه خشن و هار ایران، بی‌معنی و فاقد اعتبار است؛ به سُخره گرفتن حقوق میلیون‌ها انسان دردمندی است که در زیر سلطه و سیاست‌های استثمار و سرکوب‌گرانه حکومت‌مداران و دولت‌مردان ایران، زندگی‌شان ضایع شده است. پس چگونه می‌توان سُخن از برگزاری انتخابات مردمی به میان آورد، در حالی که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، تابه حال جان هزاران انسان بی‌گناه را گرفته اند و هزاران تن دیگر، در اثر طرح بدیهی ترین مطالبات‌شان در سیاه‌چال‌های خوفناک، زندانی اند؟ چگونه می‌توان حرف از انتخابات مردمی زد، و در عین حال از زمره سازمانده تعرض به نارضایتی مردم بُود؟

بنابه هزاران دلیل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظام جمهوری اسلامی، نظام مبتنی بر پاسبانگویی به نیازهای اولیه جامعه و نیز نظام مبتنی بر رفع نگرانی‌ها و مشکلات مردم نیست. از آغاز و تاکنون کارنامه نظام، به همراه همه منتخبان "مردم"، بر روی میز جامعه قرار گرفته است و یکایک بنیانگذاران و کارگزاران آن، به سهم و در قد و قواره خود، در تخریب و در کُشت و کُشتار مردم، جوانان و دیگر توده‌های ستمدیده سهیم اند. مگر بی‌دلیل است که مردم، دل خوشی از نمایندگان نظام و قوت متفاوت آن ندارند؟ متعاقباً مگر بی‌دلیل است که اکثریت قریب به اتفاق

آحاد جامعه، انتخابات هدایت شده از سوی نظام را نه انتخابات، بسا که انتصابات به حساب می‌آورند؟ نظام به همراه قوای متفاوتش، پایه گذار استعمار وحشیانه و تعرض به مردم است. به طور نمونه از تصویب قوانین ضد کارگری و بالا بردن اقلام اولیه زندگی توسط نمایندگان مجلس (قوة مقننه) گرفته، تا حمله رئیس دولت (قوة مجریه) به اعتراضات پایه ئی توده ها، و بالاخره صدور احکام غیر انسانی، اعدام و محکومیت کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان و دیگر محرومان توسط دم و دستگاه های سرکوب (قوة قضائیه)، حکایت از اوضاع جامعه ای دارد که سران نظام جمهوری اسلامی مولد و مبلغ آنند. براستی که قوای متفاوت نظام در امتداد قوانین نوشته شده طبقه سرمایه داری، سنگ تمام گذاشته اند و به دنبال هدف همه آنها، به میدان کشاندن مردم در کارناوال سیاسی منتصب به حکومت‌مداران و دولت‌مردان اند. مردم از دست نظام ذله اند و طناب و فضای سیاسی جامعه روز به روز سفت‌تر و تنگ‌تر می‌شود و در همانحال "رهبر" نظام دارد می‌گوید: "ایران یکی از دموکرات‌ترین کشورها در حوزه برگزاری انتخابات است".

"درست" می‌گوید، دموکرات‌ترین نظامی که در آبانماه [عقرب] امسال، جان بیش از ۱۵۰۰ جوان و توده معترض به وضعیت ناهنجار حاکم بر جامعه را گرفته است، و هزاران تن دیگر در زیر شکنجه های وحشیانه جلاان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. "درست" می‌گوید بعد از چهل سال نظام "دموکرات"، در فکر ساختن زندان‌های تازه تر و خرید ابزار و آلات سرکوب و شکنجه به منظور مقابله با جنبش‌های اعتراضی و تسلیم زندانیان سیاسی و قربانیان نظام امپریالیستی است. "درست" می‌گوید و "دموکرات‌ترین" نظامی که برای خودی‌هایش هم، شاخ و شانه می‌کشد و فاقد تحمل لازمه در درون بالائی‌هاست.

جدا از گنده گوئی‌های "رهبر" نظام، واقعیت این است که دو سوی پُر تشنج و متضاد جامعه - یعنی بین بالائی‌ها و پائینی‌ها - را می‌شود به عینه در حوزه ها و در میادین متفاوت طبقاتی دید. کسی به غیر از خودی‌هایشان با نظام نیست و در این‌میان سران حکومت با حقه بازی تمام در تلاش اند، تا به مانند دوره های پیشین و آن‌هم به ظاهر، به نام و با رأی مردم، فرم تازه تری به نظام دهند؛ به دنبال انتخاب وفادارترین عنصر شرایط بعد از تظاهرات گسترده دیماه و آبانماه اند. این‌دوره را به عنوان آزمونی بزرگ برای گذر از دو واقعه سیاسی - اجتماعی درون جامعه تعبیر کرده و کاملاً پی برده اند که این انتخابات مردم و نظام بناشده بر میلیون‌ها انسان رنج‌دیده نیست. به ویژه و در چند سال اخیر فهمیده اند که مردم با کلیت نظام تعیین و تکلیف سیاسی - عملی کرده اند و خواهان بر چیدن بساط شوهانی همچون انتصابات نظام اند. مخالفت‌های بی‌وقفه دسته جمعی در خیابان‌ها، اعتراضات و اعتصابات پی در پی کارگران، زنان، جوانان و دیگر ستمدیدگان نسبت به بی‌حقوقی، تبعیضات جنسیتی، بیکاری، بی‌عدالتی، نداری و فقر، نماد افکار جامعه ای است که نظام جمهوری اسلامی، مسبب و بانی آنها می‌باشد.

در بستر چنین اعمال جنایت‌باری است که پایگاه و پشتوانه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی گام به گام با ریزش گسترده ای روبه رو شده و به خیر و برکت دم و دستگاه‌های سرکوبگر خود بر سر کار مانده است. نظام جمهوری اسلامی به مانند دیگر دولت‌های سرمایه داری، مدافع و حامی یک درصدی جامعه است و نود و نه درصد آن، در تخالف با آنند. نمونه بارز این فرضیه را می‌شود، در به صف شدن توده های محروم و جوانان صدها شهر و آن‌هم در ابعادی غیر قابل تصور، در یکی دو سال اخیر دید. به چه زبانی مردم و جوانان باید بگویند که برگزاری مناسک مذهبی و کارناوال سیاسی همچون انتصابات، از جمله انتخاب خودی‌های نظام است و ربطی به مراسم و به انتخابات حقیقی مردم ندارد؛ به چه زبانی باید بگویند که از دل صندوق‌های سازمانده شده نظام، مدافعان سازندگان اصلی جامعه بیرون نخواهند آمد و همه - و به مانند دوره های پیشین -، کار و بارشان تعرض به معیشت مردم و همچنین حفظ و حراست از نظام جمهوری اسلامی است. بی‌جهت نیست که حکومت‌مداران و دولت‌مردان نظام، دست در دست هم و با اتخاذ شیوه های

ردیالنه، قصد کشاندن مردم به پای صندوق‌های "انتخاباتی" پیش‌آرو را دارند. در همین رابطه سر دسته نظام «خامنه‌ای» طبق معمول و با دغل‌بازی سیاسی گفته است: "حتی اگر کسی از من خوش‌اش نمی‌آید، پای صندوق رأی بی‌آید". و یا این که رئیس قوه مجریه و محبوب نظام یعنی «روحانی» هم، که سابقه گسیل نیروهای سرکوب‌گر به اعتراضات مردمی را دارد، شیدانه می‌گوید: "اگر می‌خواهیم جامعه ایران از معضلات و بحران‌های داخلی و بین‌المللی‌اش رهائی پیدا کند، تنها راهش برگزاری یک انتخابات پُرشور است که آن نیز متضمن یک انتخابات آزاد و رقابتی با حضور سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف است".

مُضحک است. یکی مردم را دعوت به پای صندوق‌های سازمانده شده حکومتی می‌کند و دیگری و آن‌هم در چهارچوبه جنگ و جدل‌های درونی نظام، از برگزاری انتخابات "آزاد"، "پُرشور"، "رقابتی" و آن‌هم با "حضور سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف"، حرف به میان می‌آورد!! براستی مُضحک است و کسانی از حقوق مردم و از آزادی‌های سیاسی و انتخاباتی سُخن می‌گویند که کارکرد چهار دهه‌شان، مملو از جنگ و جنایت، قساوت و بی‌رحمی به درخواست‌های ابتدائی سیاسی - اجتماعی، و نیز نابودی زندگی هزاران کودک، زن و مرد و جوان است؛ کسانی از آزادی سُخن، رأی مردم و نیز از رقابت آزاد و سلیقه‌های گوناگون حرف می‌زنند که قلم‌ها و زبان‌های آزادی‌خواهان و مخالفان را شکسته و بریده‌اند؛ کارگران را به دلیل درخواست حقوق‌های معوقه‌شان و در ملاءعام به شلاق بستند؛ به خواسته‌های پایه‌ئی انسانی همچون پوشش تعرض کرده‌اند تا مبدا چرخ دنده‌های فرسوده نظام وابسته جمهوری اسلامی، در دست اندازهای جنبش‌های اعتراضی گیر کند. خلاف اراجیف این سرکرده و یا کارگزار نظام، هدف از انتصابات این‌دوره مجلس شورای اسلامی و خبرگان، برای طول عمر بیشتر نظام سراپا جنایت است؛ انتصاب "زبندگان" نظام برای دوره آتی است و بی‌گمان در تضاد با انتخاب و گزیدگان مردم قرار دارد.

نظام بیش از چهل سال به یمن دم و دستگاه‌های سرکوب، جهل و خرافات، کارگزاران خود را به خُورد جامعه و به مردم داده است؛ به مدت چهل سال ده‌ها فرد دست‌چین شده خود را از فیلترهای متفاوت گذراند و هر دوره عناصر متعدّد تر را از صندوق‌های رأی‌گیری به بیرون کشید؛ به مدت چهل سال هم است که نمایندگان متفاوت نظام، هم‌سو با دیگر نهادهای حکومتی - دولتی، نقشه نابودی زندگی مردم، نقشه به تاراج بُردن اموال عمومی و نیز نقشه گُستردگی سرکوب، بگیری و ببندهای بی‌رویه و کُشت و کُشتار مردم و جوانان را سازمان داده‌اند. پس همه کارگزاران نظام با هر اختلاف و سلیقه‌ای، در حفظ و در بردوامی نظام جمهوری اسلامی ذینفع‌اند و در این بین هیچ یک از نمایندگان پیشین مجلس و یا آتی، منفعت و یا سیاست‌های‌شان هم‌تراز با منفعت و سیاست‌های میلیون‌ها انسان دردمند نبوده و نخواهد بود. جنگ و جدال‌شان در درون مجلس صرفاً و صرفاً، میدانی برای پس زدن جناح‌های رقیب، و به ویژه میدانی برای خوش‌خدمتی و اجرای مطلوب‌تر قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی است؛ قانونی که ساختمان آن در مخالفت با منفعت مردم بنا شده و تضمین و تأمین‌کننده منافع طبقه سرمایه‌داری وابسته حاکم بر ایران است. معین است که طبقه سرمایه‌داری و تمامی عناصر وابسته، سُخن‌گو و بازگوکننده خواسته‌ها و امیال توده‌های محروم و رنج‌دیده نیستند؛ معین است که عملاً در تقابل و در تضاد با نظام محترم شمردن به حقوق دردمندان و سازندگان اصلی جامعه قرار دارند. سابقه رفتاری و کرداری یکایک آنان، پیرامون طرح مطالبات توده‌ئی، سندی بر ادعاهای دروغین‌شان، نسبت به محترم شمردن به خواسته‌های پایه‌ئی میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش و توده دردمند و کودکان است. همه آنان سازماندهندگان تعرض به معیشت مردم‌اند و همه آنان در عمل نشان داده‌اند که نه منتخب و برگزیدگان مردم، بسا که منتصبان و "زبندگان" نظام‌اند. از اینرو و خلاف انتصابات پیش‌آرو نظام، مردم نظر و نمایندگان خود را دارند و بی‌تردید انتخاب و برگزیدگان آنان، با مرگ نظام جمهوری اسلامی - و آن‌هم با همه "زبندگان‌شان" -، گره خورده است؛

انتخابات و برگزیدگانی که در فضائی آزاد و دمکراتیک برگزار، و به دور از تقلب و دغل بازی‌های سیاسی طبقه سرمایه داری، از درون صندوق‌های رأی گیری بیرون خواهند آمد.

۱۵ فیروری ۲۰۲۰

۲۶ بهمن [دلو] ۱۳۹۸